



photo by:Cristiana Gasparott

پژوهشگر- وکیل - مهری ملکوتی

بود و کیفرخواست صادره، مجازات سنگسار را "زناى محصنه" دادگاه تشکیل جلسه داد. پروین در جایگاه متهم قرار گرفت. اتهام او قرار می‌گیرد و هنگامی که ثابت می‌شود "حق الله" در مجموعه "زناى محصنه" پیشنهاد می‌کند. شوهر شاکی خصوصی بود، ولی جرم یکی از آنهاست برهاند. "سنگسار" که گفته می‌شود "حدود الهی" شود، حتی گذشت شاکی خصوصی نمی‌تواند، مرتکب را از مجازات تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. "انسان" بنابراین در جلسات رسیدگی، نقش وکیل مدافع بسیار اهمیت دارد و مرگ و زندگی یک

پروین در مرحله تحقیقات به رابطه جنسی خارج از ازدواج اقرار کرده است. مرد هم جرم او هم در جلسه رسیدگی حضور دارد. ولی مرد هم ست و وصف احصان، شامل حال او نمی‌شود. در نهایت به مرگ محکوم نمی‌شود. چرا؟ چون مجرد "زنا" جرم فقط متهم به ارتکاب است و زن ندارد. وکیل او هم در جلسه حاضر است. هر دو مجرم به صورت ظاهر مرتکب یک نوع جرم شده اند که رابطه خارج از ازدواج است، ولی قانونگذار دو گونه مجازات برای هر یک تعیین کرده است. نظر به این که زن شوهر دارد و ظاهراً دسترسی به تمتع جنسی با همسر شرعی و قانونی خود داشته، مجازات مرگ انتظارش را می‌کشد. اما مرد با آن که مرتکب همان جرم شده، به سبب آن که همسری محکوم می‌شود که مجازات سنگینی است، ولی با مجازات مرگ که مشروع و قانونی در دسترس نداشته، حداکثر به یک صد ضربه شلاق زن هم جرم او ممکن است به آن محکوم بشود، تفاوت دارد. بدون شک مرد هم جرم ادعا خواهد کرد که خبر نداشته زن متاهل است. در هر حال از سنگسار نجات پیدا می‌کند، اما از حد زنا نمی‌تواند خود را نجات بدهد.

آیا وکیل مدافع زن، دستش خالی است؟ با وجود این همه سختگیری‌های قانونی، وکیل نمی‌تواند به موکل خود کمک کند و او را از مجازات مرگ برهاند؟ صحنه را زیر چشم دارم. وکیل مدافع زن با اعتماد به نفس وارد دفاع می‌شود. موکلش حتی در حضور قاضی در جلسه اقرار کرده. نه یک بار که چهاربار. بنابراین به نظر می‌رسد، از وکیل مدافع کاری بر نمی‌آید. پس چرا این اندازه اعتماد به نفس دارد؟

دفاع از زن شروع می‌شود. دست وکیل خالی نیست. پیداست مدت‌ها روی پرونده کار کرده و می‌داند چه می‌کند. او ابتدا به دادگاه گزارش می‌دهد که شوهر موکلش، همسر جوان و زیبایی دارد که از یک سال پیش او را صیغه کرده است.

شرع که نکرده است. حاضران در گوشه به هم می‌گویند: این که ربطی به پرونده حاضر ندارد. کار خلاف

وکیل ادامه می‌دهد: مرد به ندرت به خانه همسر دائم می‌آمده و فقط با بچه‌ها دیدار می‌کرده، اما شب آنها را ترک می‌کرده است. وکیل با معرفی شهود که همسایه‌ها و فرزندان زن هستند به قاضی توجه می‌دهد که برای زن با آن که شوهر داشته، دسترسی به تامین تمنیات جنسی به صورت مشروع میسر نبوده است.

خواستار می شود. "زنای محصنه" وکیل مدافع پس از ورود به مفاهیم فقهی و قانون مجازات اسلام در این باره، برائت موکل را از اتهام

ناقصی دارد و می گوید در هر حال او ناموس من دادگاه شوهر را فرا می خواند تا پاسخ بدهد. مرد از موازین فقهی و قانونی اطلاعات است و حق نداشته به علت این که من مدتی با او هم خوابگی نکرده ام، بی ناموسی کند و به غیرت مردانه من صدمه بزند.

به او چه مربوط که من زن دیگری گرفته ام. حکم "آبرویم پیش در و همسایه و اهل محل و همکارانم رفته است. باید سنگسار بشود. اصلا دین را اجرا کرده ام. خلاف که نکرده ام. وکیل شوهر دست و پای خود را گم می کند و متوجه می شود در موقعیت ضعف قرار گرفته می کند دفاعیات موکل خود را رفع و رجوع کند نمی تواند. است. تقلا

قاضی چند شاهد را که پشت در ایستاده اند فرا می خواند. شهادت می دهند که مرد گاهی به خانه سری می زده و غروب از زن و فرزندانش جدا می شده است. البته شوهر نفقه می داده و به بچه ها و خواسته های آنها رسیدگی می کرده، اما حضورش موقت بوده و زن همواره از او نزد همگان ابراز گله مندی می کرده است.

قاضی به تامل می نشیند و اظهارات شاکی را بالا و پائین می کند و شوهر را سوال پیچ. تا به صراحت در می یابد که شوهرمدتها پیش از وقوع رابطه جنسی خارج از زناشویی، به همسرش نزدیک نمی شده است.

نتیجه:

. سایه وحشتناک "زنا" تبرئه و اتهام او تبدیل می شود به "زنای محصنه" زن به لحاظ آن که امکان تمتع جنسی به صورت شرعی نداشته از مرگ به صورت سنگسار یا اعدام محو می شود و مجازات تبدیل می شود به یک صد ضربه شلاق.

اگر عادلانه داوری کنیم، زن اساسا نباید محکوم به مجازات می شد. چون شوهر با او هم خوابگی نمی کرده و او را درمشقت جنسی قرار داده بود. شوهر با استفاده از قانون و شرع، زن زیباتر و جوان تری را به صورت موقت عقد کرده وزن دائم او، یک چنین جوازی برای کام شاید در چنین شرایطی زن کاسه صبرش پر شده و به رابطه خارج از جوئی جنسی نداشته است. در عسرو حرج کامل به سر می برده است. ایجاد کرده است که به مرد انواع امکانات را برای کامیابی داده و همه را از "قانون" ازدواج تن داده است. در واقع انگیزه ارتکاب جرم را کار را تا سرحد کشتن او به دست قانون داده است. این زن دریغ کرده است. به جای آن به مردان جواز قتل ناموسی و شکایت از زن خلاف عدالت است؟

هم بخورد؟ عقل و عدالت شلاق راستی یک چنین انسان گرفتاری چرا باید علاوه بر زندگی مشقت باری که پشت سر دارد، یک صد ضربه را وسط بگذاریم. باید در تعریف عدالت، متناسب با زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، تجدید نظر شود.